

جادوی رنگ

(۴)

سال حیات همایون گروهی از هنرمندان به دهلی آمده باشند نیز هست، بهر تقدیر مرکز تجمع این گروه در سال‌های نخستین سلطنت اکبر آگره بود که اکبر برای پایتختی خود انتخاب کرد، اکبر در سال ۹۸۶ فرمان داد که در حوالی قصبه سیکری شهری بنام فتح‌پور بسازند، ساختمان این شهر سلطنتی که گرداگرد خانقاه شیخ سلیم چشتی ساخته شده در (۹۹۹) پسیان رسید^۲. درینجا اکبر

۱ - نگاه کنید به :

Die Indischen Miniaturen des Hamzae — Romanes, hr. sg. Von H. Gluck Wien 1925.

و نیز کتاب مینیاتور ایرانی بی‌نیون - ویلکینسن - گری که دو تصویر از حمزه را مورد بحث قرار می‌دهد ص ۱۱۹ و ص ۱۴۷ و نتیجه می‌گیرد که هیچیک کار دواستاد بزرگ ایرانی عبدالصمد و میرسیدعلی نیست این دو نقاشی به مجموعه H. Vever درباری تعلق دارد.

۲ - در موزه باستانشناسی ایران یک نقاشی از خمسه نظامی هست که آنرا با شنباه از کارهای مینیاتوری ایران قلمداد کرده‌اند در حالیکه از عصر اکبر است و در هند تهیه شده، درینجا گروهی از دانشمندان را می‌بینیم که در جلو عمارتی در فتحپور سیکری ایستاده‌اند، منظره‌ها بکلی هندی است در حالیکه چهره‌ها و لباسها همه ایرانی وهمانند حمزه‌نامه و بزمنامه است، اکبر در وسط این گروه دیده می‌شود و شایهت این اثر با مینیاتورهای اکبرنامه غیر قابل انکار است. یکی دیگر از نقاشیهای بزمنامه را که متعلق بهمان موزه است در مینیاتورهای هندی توپوره‌جک تحت شماره ۱ می‌توان دید.



صحنه زمین‌خوردن بابر سرسلسله باریان هند - از بابرنامه

بابرنامه را بابر به ترکی نوشت و خان‌خانان به فارسی ترجمه کرد و در عهد اکبر پنج نسخه از آن نوشته و مصور شد که یکی از آنها در موزه ملی دهلی نگهداری می‌شود. سال اجرا ۱۵۹۸ عصر امپراطور اکبر. نفوذ نقاشی بومی هند درین اثر، تقریباً صد درصد ایرانی، را فقط در بیست درختی در جلو صحنه می‌توان یافت بقیه چیزها همه ایرانی است . . .

دکتر مهدی غروی

و بزمنامه‌ها و حتی برخی از مقدسات آئین هندو نیز بفارسی ترجمه و مصور گردید، این آثار عبارت بودند از: رزمنامه (مهابارات) راماین، هاری و انسا، کاتاساریت ساکار (بحرالاسمار یا اقیانوس افسانه) یوگا و اسیشتا (جوگ شبت) و برخی تواریخ مربوط به مغولان و تیموریان از جمله تاریخ خاندان تیموری (شامل تاریخ این دودمان و بیست سال از حکومت اکبر) واقعات بابری (نام دیگرش بابرنامه بود نام اصلی آن هنگامی که بابر بترکی چغنائی نوشت توزوک بابری بود) تاریخ الفی (شامل وقایع جهان اسلام از عصر پیامبر تا سال ۱۰۰۰ که هنگام پادشاهی اکبر است یعنی سال ۱۵۹۱) و بالاخره اکبرنامه که خاطرات خود اکبر است.

درست معلوم نیست که کی مکتب نقاشی مغولی بابری از کابل به هند منتقل شده است، شاید سال (۹۷۱) که سال انتقال سلطنت از همایون به اکبر است. می‌توان گفت که همایون در طی یکسالی که در پایان عمر در هند بود بنابر مقتضیات سیاسی نمیتوانست گروه هنرمندان را به هند بیاورد و این کار را اکبر پس از رسیدن به سلطنت برعهده گرفت و بانجام رساند اما احتمال اینکه در همان آخرین

این دو نقاش در کابل مکتب نقاشی بابری را تأسیس کردند و خود استادی آنرا برعهده گرفتند و همراه با گروهی از نقاشان ایرانی و ترکمن وهندو در آن سرگرم کار شدند اما فقط تعداد معدودی اثر ازین دوره مانده است زیرا از همان ابتدای تأسیس، کار این گروه تهیه کتاب حمزه‌نامه بود که در سال ۱۵۷۰ در عهد اکبر پسیان رسید. یکی از خصوصیات بارز نقاشیهای حمزه‌نامه درشت‌تر بودن چهره کسی است که در صحنه نقش قهرمان را برعهده دارد و این کار اثر مستقیم نفوذ نقاشی هندی است که در هنر ایرانی بکلی بیسابقه بود و بعدها نیز معمول نگردید، دیگر تجسم چند ماجری در یک صفحه واحد است. با مقایسه این کارها با کار راجپوتها نفوذ سبک راجستانی در تکوین کتاب حمزه‌نامه کاملاً هویدا می‌شود.

۲۰

با مرگ ناگهانی همایون بیم آن می‌رفت که این مکتب برچیده شود، اما چنین نشد و پسر همایون اکبر با حرارت دنبال کار پدر را گرفت و آنرا باوج ترقی و تکامل رسانید، کتابسازی عصر اکبر فقط تهیه و کپی کردن آثار کلاسیک ایران نبود، گروهی از رزمنامه‌ها



روزگار آمد که در میان ما و آن کسان که در آن کوهستان

کوی خاصی برای هنرمندان ترتیب داد و ایشان را به جایگاه اصلی خود که آنهم دائمی نگردید منتقل ساخت .

در کتابخانه انجمن آسیائی لندن يك گلستان سعدی هست که کار این دوره است و دارای تاریخ می باشد ، در نقاشیهای این گلستان مشابعت بارزی با نقاشیهای دیواری قصرهای سلطنتی فتحپور می توان یافت ، ابوالفضل بنفصیل درباره نقاشخانه و ترتیب کار نقاشان در آئین اکبری بحث می کند^۳.

کتاب بزرگ رزنامه ای که اکنون متعلق به مهاراجه جیپور و قدیم ترین رزنامه فارسی جهان است باید درین عصر بی پایان رسیده باشد ، درین کتاب ۱۶۹ مجلس هست و نخستین کاری است که مستقیماً زیر نظر سه نقاش هندی که هر سه دست پرورده استادان دوگانه ایرانی میرسیدعلی و عبدالصمد بودند : دسوانت ، بسوان و لعل انجام گرفت نخستین نفر ازین سه استاد دسوانت بود که در سال ۹۹۴ فوت کرد ، درین سال هنوز مکتب اکبری در فتحپور استقرار داشت ، در تاریخ خاندان تیموری بانکی پور تصویری بامضای دسوانت هست و این دلیل بر آن است که این کتاب نفیس هم محصول فتحپور سیکری است .

- ۲۱ -

در فهرستی که مرحوم اردشیر فراهم آورده است نام یکصدوسی نقاش ذکر می شود که مکتب هنری اکبری را خلق و بتکامل رسانده اند ، اکثریت این گروه هندوان بودند سپس مسلمانان هندی که همه تحت تعلیم و ریاست نقاشان ایرانی و ترکمنی و ازبک قرار داشتند و بخصوص استادی و ریاست میرسیدعلی و عبدالصمد را درین مورد نباید فراموش کرد ، در فتحپور سیکری دیگر نامی از میرسیدعلی برده نمی شود و معلوم نیست که وی درین شهر چه می کرده است . میرسیدعلی اصولاً کم کار بوده است از همکار و رقیب وی عبدالصمد کار

شد و در همین عصر بود که دسوانت همراه با بسوان و لعل رزنامه جیپور را نقاشی کرد ، از دسوانت ۲۴ مجلس و از دو نقاش دیگر هر یک ۲۹ مجلس درین کتاب دیده می شود .

در فهرست ابوالفضل نیز پس از نام دو استاد بزرگ نام دسوانت و بسوان ذکر می شود ، ابوالفضل درباره دسوانت می نویسد که وی بقدری ترقی کرد که در سراسر عالم بی نظیر شد و پس از بسوان بمرحله ای رسید که حتی با دسوانت برابری می کرد از دسوانت نیز هیچ اثری جز همان ۲۴ نقاشی رزنامه نمیتوان یافت ، در مجموعه های اردشیر اثری هست بنام خواجهگان هند که زیر آن نوشته شده است : شبیه مشق و انت قسمتی از عبارت که خوانده نمی شود باید بخش

بیشتری برجای مانده ، وی حتی در سن هفتاد سالگی هم نقاشی می کرد از دسوانت و مینباتور کتابی در دست داریم یکی در داراب نامه موزه بریتانیا و یکی در خمسه نظامی دیسن پرن مورخ ۱۰۰۳ (۱۵۹۳) ، و هفت اثر از وی شرح زیر در موزه ها و کتابخانه های مختلف هست یکی در بودالیان اکسفورد ، پنج فقره در موزه گلستان (کتابخانه سلطنتی) تهران که دو عدد آن دارای تاریخهای ۹۶۰ (۱۵۵۱) و ۹۶۶ (۱۵۵۷) است و دو عدد در مجموعه های اردشیر که یکی ازینها نمایشگر استراحت اکبر پس از شکار است بروش سیاه قلم ، کاری دقیق و پرارزش^۴ . عبدالصمد در سال ۹۹۶ (۱۵۸۷) بر ریاست ضرابخانه رسید و دسوانت شاگرد ارشد وی رئیس نقاشخانه



تصویر فرخ بیک که توسط خود وی کشیده شده است. وی از شاگردان بهزاد بود و پس از مدتی اقامت در دربار اکبر به بیجاپور رفت و مروج هنر نقاشی ایرانی در جنوب هند شد و خود نیز در کارهایش بسیار از نقاشی بومی هندی اثر پذیرفت بطوری که کارهایش در سهرده مختلف طبقه بندی می شود. پیش از عزیمت به هند، هنگام اقامت در دربار بابرینان، هنگام اقامت در دربار عادلشاهیان بیجاپور.

اول نام دسوانت بوده باشد .

- ۲۲ -

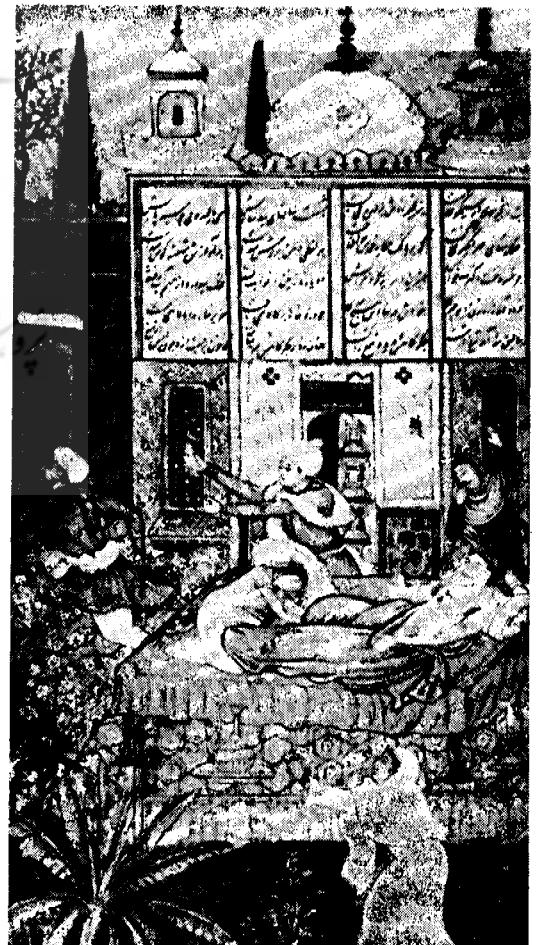
در سال ۹۹۴ (۱۵۸۵) میرزا محمدحکیم برادر اکبر که حکمران کابل

۳ - آئین اکبری جلد اول ص ۷۷ چاپ نول کشور میرسیدعلی و عبدالصمد را پیشروان این شاهراه می‌داند و سپس این هنرمندان را به ترتیب نام می‌برد :

دسوتنه ، کمار ، ساون ، کیسو ، لعل ، مکند ، مشکین (مسکین) فرخ قلمقاق ، ماهو ، جگن ، مهیس ، کهمیکرن ، تارا ، سانوله ، هرنس ورام .

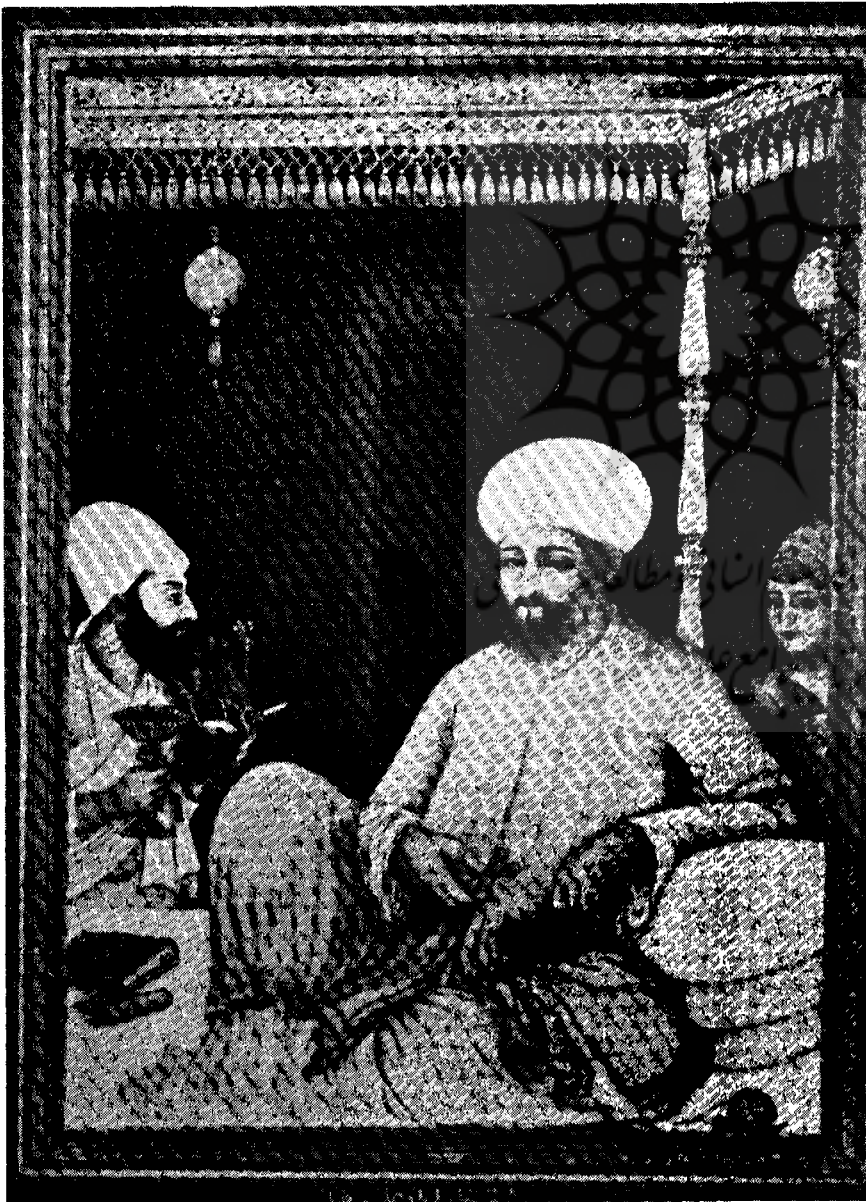
۴ - عبدالصمد خطاط بسیار خوبی هم بود و این همان هنرمند عالیقدر است که درباره دقت و موشکافی اش نوشته‌اند که سوره قل‌هو الله واحد را روی یک دانه خشخاش می‌نوشت نگاه کنید به مینیاتور ایرانی بازیل گری ویلکسن - بیون ص ۱۱۹ .

دومجلس از نقاشیهای خصمه نظامی متعلق به اردشیر که درحراج ۱۹۷۳ لندن فروخته شد، این خصمه درعهد اکبر تهیه شد، نوشته‌ها را درایران نوشته بودند ونقاشیها را در هند بدان اضافه کردند، تصویر طرف چپ که يك مجلس عشقی را نشان می‌دهد، کاملاً هندی است که همیستری عاشق و معشوق را بی‌برده ارائه می‌کند، اما همه خصوصیات دیگر آن ایرانی است، درنقاشی طرف راست که از تحرك و قدرت تجسم بی‌نظیری بهره‌مند است اثر نفوذ سبک بهزاد کاملاً دیده می‌شود، بااحتمال قوی این مجلس کار فرخ‌بیک شاگرد نامدار بهزاد است



بود درگذشت ، پسرانش با گروهی از اطرافیان خود از جمله شاعران و هنرمندان دربارش به راولپندی آمدند اکبر خود را آماده کرده بود که در صورتیکه پسران حکیم خیال استقلال و تمرد داشته باشند ایشان را گوشمال دهد و با لشکرکشی به کابل املاک و اموال برادر را ضبط کند ، درین سالها اکبر در لاهور می نشست شاید علت این امر گسترش قلمرو عبدالله خان از بک بسوی جنوب و جنوب غربی افغانستان کنونی بود و البته اکبر نمی خواست که ازبکها به بلوچستان برسند و آنرا تصرف کنند این بود که هنگام فوت حکیم پسرانش بجای عزیمت به فتحپور به لاهور عزیمت کردند و در راولپندی بخدمت امپراتور رسیدند ، در میان متعلقان حکیم نقاش معروف ترکمن فرخ بیک نیز بود که تا آخر عمر در دستگاه اکبر بر جای ماند و در سال ۱۰۰۵ (۱۵۹۴) که دسوانت کشته شد با خودکشی کرد به ریاست نقاشخانه رسید و تا هنگام مرگ درین سمت باقی ماند ، فرخ بیک یکی از نقاشان معدودی است که تصویرش را در دست داریم ، سبک کار وی شبیه کار استاد بزرگ بهزاد است تا بجائی که گروهی ویرا همبایه و همقدر قاسم علی معروف ترین شاگرد بهزاد می دانند ، از لحاظ اسلوب کار و رنگ-آمیزی همینکه فرخ بیک به سبک کارهای ایرانی نقاشی می کرد بهترین و شبیه ترین کار مکتب بهزادی را می توانست ارائه کند ، اما با گذشت زمان سبکهای مختلف هندی و کار استادانی که در مکتب اکبری سرگرم بودند در وی مؤثر واقع شد و کارش در سبکی نوین ظاهر شد که با نحوه کار هیچیک از استادان این دوران و عصر جهانگیر قابل تطبیق و تشبیه نیست ، اثر و نفوذ سبک وی در پیشرفت و ترقی کار نقاشان این عصر چشمگیر و جالب بود و خوشبختانه از وی آثار بسیار هست ، چه مینیاتور در کتابها و چه نقاشیهای مجزا، خیلی بیشتر

تصویر يك درباری که توسط علی رضا نقاش عصر صفویه تهیه شده است. درین مجلس با اینکه چهره‌ها ایرانی است اثرات هنر و معماری هندی در همه جای آن دیده می شود. از علی رضا هیچ اثر دیگری در دست نداریم و این نقاشی نیز که متعلق به اردشیر بوده است در حیات خود وی فروخته شده و اکنون نمیدانیم که در دست چه کسی است. این یکی از کهن ترین نقاشیهای ایرانی است که در آن اثراتی از سبک نقاشی اروپائی دیده می شود.



سماع و رقص خواجگان هند در حضور شیخ سلیم چشتی. با احتمال این اثر تنها نقاشی مستقل و کاملی است که از دسوانت شاگرد بزرگ و ناکام
 خواجه عبدالصمد بر جای مانده است.



تصویر شاه عباس، کار بشناس (ویشنوداس) نقاشی که از طرف جهانگیر بایران آمد و چند تصویر از پادشاه صفوی کشید و بهند برد، از آلبومی متعلق به شعبه لنینگراد، انستیتوی مردم آسیا، آکادمی علوم شوروی این مرقع را در سال ۱۹۱۰ نیکلای دوم به موزه روسیه اهدا کرد و این موزه آنرا در ۱۹۴۱ به آکادمی علوم تقدیم نمود. درین اثر جز رنگ آسمان و درخت بزرگ که حامل نفوذ هنر اروپائی می باشد همه چیز ایرانی است.

از آثاری که از دو استاد سابق در دست داریم . در موزه سوت کنزینکتون لندن در قسمت آثار هند رویهم هفت اثر ازین هنرمند هست ، سه فقره در اکبرنامه ، دو نقاشی در مرقع جهانگیر (Wantag Bequest) و دو تصویر در مرقع شاه جهان که میان این موزه و چسترییتی قسمت شده است اثر دیگر نقاشی سیاه قلمی است که به موزه لوور تعلق دارد در مجموعه شخصی وور Vever در پاریس نیز يك مینیاتور عالی بسبك اصیل ایرانی از وی هست که دربار بابر را نشان می دهد ، در مجموعه اردشیر ازین هنرمند سه اثر منفرد و مجزا هست ، و در خمسه نظامی اردشیر نیز چهار نقاشی از وی وجود دارد ، در مجموعه چسترییتی يك و در مرقع معروف شاه جهان که در حراج سال ۱۹۲۹ سوت بی لندن به گورگیان فروخته شد نیز دو نقاشی از فرخ بیگ هست .^۵

- ۲۳ -

در همان سالهای ورود فرخ بیگ بهند ، نقاش بزرگ دیگری نیز از ایران رهسپار هند شد وی آقارضاست که اهل



مجلس جشن تولد همایون، از بابرنامه متعلق به موزه بریتانیا که کاملترین و بهترین نسخه بابرنامه است در عصر اکبر تهیه شده، ۵۴۸ صفحه است، خالی از نفوذ نقاشی هند، چهره‌ها، لباسها، درختان چنار و سرو، حوض مربع وسط و حتی آلات موسیقی و حرکات و لباسهای رقاصان ایرانی است. این کتاب یکی از بهترین آثار نقاشان عهد اکبر است که از لحاظ نفوذ هنر ایران برهند باید مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد. در بابرنامه موزه دهلی اثر هنربومی هند کاملاً محسوس است.

هرات بود و بخدمت شاهزاده سلیم (جهانگیر در عصر ولایتمهدی) درآمد، جهانگیر درتوزوک خود از وی یاد کرده است، چون وی نیز از نقاشان عصر صفوی بود و در دستگاه پادشاهان صفوی کار کرده بود نامش با نام چند هنرمند دیگر تخلیط شده است، در انوارسهیلی موزه بریتانیا از وی پنج امضاء موجود است، در سه فقره از این امضاها نام وی بجای رضا، محمدرضا ذکر شده که نام کامل وی است نه آقارضا، این اثر در سال ۱۰۲۱ (۱۶۱۰) پایان یافت و چون برخی از تصاویر آن دارای تاریخهای ۱۰۱۵ (۱۶۰۴) و ۱۰۱۶ (۱۶۰۵) است و می‌بایستی در اوایل قرن ۱۷ آغاز شده باشد درین کتاب مجلس‌های شماره ۳ و ۴ و ۷ حاوی نام هنرمند بخط خود وی است که در متن نقاشی گنجانده شده و مرید شاهزاده سلیم ذکر گردیده است، در شماره‌های ۵ و ۲۹ نام ویرا طبق معمول آن عصر کاتب یا کتابداری در حاشیه پائین اثر نوشته است، همانگونه که در مورد بیست‌ونه نقاشی دیگر این کتاب اعمال



شده است ، درین دو اثر فقط آقارضا نوشته شده و در نقاشی شماره ۲ هم که کار وی است هیچ چیز نوشته نشده و دارای امضا نیست .

جای شك مختصری هست که وی با آقارضای نقاش عصر صفوی یکی نباشد و این دو هنرمند دو هنرمند متفاوت باشند (که نیستند) اما تخلیط وی با رضاعباسی درست نیست در مجموعه اردشیر از همه این استادان اثرهایی هست (مقصود از علیرضا درینجا علیرضا خطاط معروف نیست بلکه نقاشی است بنام علی رضا) کسی که برای نخستین بار چنین ادعائی کرد، سرتوماس ارنولد بود که در مقاله خود در مجله برلینگتن *Berlington Magazine* شماره *CGXV, Vol. XXXVIII* این هنرمندان مختلف را یکی دانست و سپس پرسى براون نیز در کتاب خود نقاشی هند در عهد امپراتوران مغولی آنرا نقل کرد. شکی نداریم که آقارضا و رضا عباسی دو نقاش مختلف بوده اند و علیرضا عباسی خطاط معروفی در عهد شاه عباس بوده است نام این دو هنرمند شاه عباسی را صاحب عالم آرا ذکر کرده است و تخلیط این دونفر بهیچوجه جایز نیست. در موزه هنرهای زیبای بستان امریکا دست کم چهار نقاشی ازین نقاش هست که جزوی از يك مرقع بوده اند و طبق یادداشتی در یکی از آنها ، شاهزاده سلیم آنرا تهیه کرده بوده است ، این چهار اثر را دکتر کواراسوامی در کاتالک نقاشیهای هندی در مجموعه های هنری موزه هنرهای زیبای بستان آورده است .

در آلبوم جهانگیر موزه گلستان (مرقع گلشن) تهران يك نقاشی بارنگ-- آمیزی عالی دیده می شود که يك صحنه درباری را بسبک صفویه مجسم ساخته است و امضای آن رضا مرید شاه سلیم است ، درینجا نقاش شخصیت اصلی را که جهانگیر است هنگام ولیعهدی نشان می دهد .

در آثار ایران سال ۱۹۳۶ گذار کاردیگری ازین هنرمند را عرضه می کند که در حاشیه آن عمل آقارضا بنده با اخلاص شاه سلیم با ذکر سنه نوشته شده است که می شود شش سال پیش از شروع سلطنت جهانگیر یعنی سال ۱۰۱۰ (۱۵۹۹) . شاید مقصود نقاش از شاه سلیم شیخ سلیم چشتی عارف و عالم ریاضی عصر اکبر باشد (نام اصلی جهانگیر نیز از نام وی مقتبس است). دانشمند پاکستانی عبدالصمد چغتائی نیز يك نقاشی ساده از يك صورت را معرفی کرده است که چهره يك صوفی را نشان می دهد با امضای آقارضا ، این تصویر به مجموعه خان بهادر ا. ر. چغتائی هنرمند مقیم لاهور تعلق دارد که در مجله اسلامیک کالج حیدرآباد در اکتبر ۱۹۳۸ معرفی گردیده است .

در مرقع شاهجهان متعلق به گورکیان نیز يك نقاشی ازین هنرمند هست و در مجموعه های اردشیر نیز يك اثر از وی هست ، اگرچه دامنه نفوذ آقارضا در پایه گزاری مکتب بابرى هند همانند سه استاد نخستین میر سیدعلی و عبدالصمد و فرخ بیک نبود و کارهای وی نیز با کار این سه استاد برابری نمی کند، امما وی فرزندی تربیت کرد که در مکتب جهانگیر در عصر بعداز دوران اکبر یعنی سلطنت جهانگیر و شاهجهان درخشش فراوان داشت و نامی ترین نقاش آن اعصار گردید ، این هنرمند نامی ابوالحسن بود که مورد لطف و محبت جهانگیر بود و برادری نیز بنام عبد داشت که باندازه وی ترقی نکرد و شهرت نیافت .

- ۲۴ -

تا اینجا مثلث هنری را که باعث پایه گزاری نقاشی هند و ایرانی (بابری) شد معرفی کردیم و اعتقاد داریم که عامل اصلی تکوین این مکتب وجود این چهار هنرمند ایرانی بود برخی نفوذ نقاشی اروپائی را نیز که بخصوص در سوق دادن نقاشی ایرانی از سبک مینیاتور

محض به طبیعت می تواند مؤثر باشد یادآوری می کنند که البته درست است. برای نخستین بار در عصر اکبر تصاویر قدسیین مسیحی توسط هیئت های ژوویت که در گوا اقامت داشتند به دربار مغولان رسید گروهی از افراد این هیئت ها بدعوت اکبر که از علمای دینی همه مذاهب و ادیان دعوت کرده بود به فتحپور آمدند و البته این گروه با خود آثار هنری بسیار نیز آوردند ، بطوری که يك نقاش هند بنام کس وداس *Kesavdas* در راه تهیه و اجرای این گونه آثار بمرحله تخصص رسید و کارهای خوب عرضه کرد و بامر امپراتور از کارهای وی مرقعی خاص ترتیب دادند^۲ امروز نمونه هایی از اوراق این مرقع بطور پراکنده در دست هنردوستان و هنرشناسان یافته میشود که البته تعداد آن بسیار محدود است ، اما ناگفته نباید گذاشت که نفوذ هنر اروپائی در مقابل نفوذ ایران و سایر عوامل تشکیل دهنده آن بسیار ناچیز است ، هیچیک از خصوصیات این کارها اعم از روش ، نحوه اجرا ، رنگ آمیزی و ترکیب مورد توجه هنرمندان مکتب بابرى قرار نگرفت. فقط در برخی موارد است که این نفوذ بشکل سایه زنی، نمای کلی منظره پشت صحنه و محیط کلی آن نمودار می شود و بخصوص در نقاشیهای روی پارچه این نفوذ بیشتر عیان است ، از طرف هنرشناسان اروپائی گفته شده است که این گرایش هنر شرقی بسوی طبیعت و دوری از مینیاتور ایرانی اثر نفوذ هنر مغرب زمین است که آنهم درست نیست زیرا در عهد همایون نیز که اثری از این هیئت های مذهبی و نقاشان و نقاشیهای مغربی در هند نبود این گرایش وجود داشت و می توان گفت که از وطن اصلی خود ایران آغاز شده بود.

- ۲۵ -

در دستگاه اکبر نسخ خطی با نظم و

ترتیب خاص ساخته می‌شد و سرعت و کمال صفت اصلی این پدیده‌های هنری بود، اکبر نخستین کسی بود که مانند روبنس نقاش معروف اروپائی معتقد شد که می‌توان در تهیه یک کار واحد از همکاری گروهی استفاده کرد، نقاش اصلی یا استادکار طرح و نوع رنگ‌ها را مشخص می‌ساخت، نفر دوم رنگ آمیزی می‌کرد، کار نفر اول را طرح و کار نفر دوم را عمل می‌گفتند، گاهی نیز نفر سوم بود که صورت‌ها را می‌کشید که بدان نیز چهره‌نما خطاب می‌شد، گروهی از نقادان معتقدند که این مشارکت باعث خرابی کار می‌شد و اصالت اثر را پائین می‌آورد، اما در عمل مشاهده می‌شود که برعکس اثرها مطلوب و بدون عیب از کار درمی‌آمده است، فراموش نکنیم که ابتدای کار چون نقاشان بومی هند از نحوه طرح و اجرای مینیاتور مطلع نبودند این خود یک نوع کارآموزی بود که آنها را تعلیم می‌داد و بهتر می‌ساخت، در زیر یکی از تصاویر خمسه نظامی اردشیر نوشته شده است که مرید (اصطلاح برای شاگردان مکتب) چهاربار کوشید که نقاشی را تکمیل کند و سرانجام کار توسط (استاد) شریف بانجام رسید این شریف پسر عبدالصمد معروف بود که خود نیز از نقاشان نامدار هند باری گردید و بمرحله استادی رسید.

دو نسخه خطی با برنامه و دارابنامه

۵ - در مرقع گلشن تهران ازین هنرمند چهار اثر هست که یکی از آنها تصویر شاهزاده پرویز است که جهانگیر با خط خود زیرش نوشته: این تصویر را فرخ بیگ در سن هفتاد سالگی کشید سال ۱۰۱۰. یکی از نقاشیهای اکبرنامه را نیز در کتاب شهرهای مغولی هند کامبلی بشماره ۶۵ می‌توان دید که در حد اعلی زیبایی است حاوی صحنه ملاقات بهادرخان شیبانی امیر ازبکستان و معزالملك موسوی نماینده اکبر در مشهد است مورخ ۹۷۸ (۱۵۶۹) دو اثر از فرخ بیگ نیز در کتاب مینیاتور هندی توپورهایجک گراور شده است یکی پرتره ابراهیم عادل شاه دوم سلطان بیجاپور

(۱۰۳۹ - ۹۸۹) (۱۶۲۹/۱۵۸۰) که ورقی بوده است از مرقع گلشن تهران و اکنون متعلق است به موزه Naprstek پراگ. در بالای این نقاشی دو نقاشی سیاه قلم کوچک اروپائی چسبانده‌اند که اندازه آن تکمیل شود و در بالا و پائین آن بخط نستعلیق خوب نوشته شده:

الفاکبر، شبیه ابراهیم عادلخان طرفدار بیجاپور که در علم موسیقی دکن خود را سرآمد اهل فن می‌داند و عمل فرخ بیگ سنه جلوس مبارک موافق ۱۰۱۹ (۱۶۰۹) بنده کمترین محمدحسین زرین قلم جهانگیر شاهی تحریر نمود.

ابراهیم عادل شاه از مروجان بزرگ فرهنگ ایرانی در جنوب هند و متحد پادشاهان صفوی درین سرزمین بود و از وی تصویرهای متعدد ساخته شده ولی این قدیمترین همه آنهاست نگاه کنید به مقاله دکتر موتی چندرا هنرشناس هند و مقیم بمبئی در مجله مرگ Marg جلد پنجم شماره اول سال ۱۹۵۱ تحت عنوان: Portraits of Adil Shah Ibrahim R. Skelton در مجله Arts Asiatiques و نیز مقاله جلد ۵ شماره ۲ پاریس ۱۹۵۸ تحت عنوان: Documents for the Study of Painting at Bijapur

در میان هنرشناسانی که در تاریخ هنر مغولی هند (بابری) کار کرده‌اند اسکلتون معتقد است که فرخ بیگ چند سال در دربار عادل شاه اقامت داشته است و این نقاشی را دلیل این مدعای خود میدانند همین نویسنده که تاریخ زندگی فرخ بیگ را نیز تنظیم کرده است درباره این هنرمند می‌نویسد که وی اصلاً اهل شیراز و فرزند مولانا درویش بود که در نوجوانی به خراسان مهاجرت کرد و پس از فوت حامی معروفش ابراهیم میرزا در (۹۸۵) (۱۵۷۶) بکابل رفت و سرانجام به خدمت اکبر پیوست (۹۹۶) ۱۵۸۵ و در (۱۰۱۰) ۱۶۰۱ از طرف امپراتور اکبر به بیجاپور اعزام شد و تا سال ۱۰۱۸ (۱۶۰۹) در آنجا ماند و عامل مهمی شد در ارائه و تکمیل نفوذ هنر ایرانی در جنوب هند، جهانگیر در خاطرات خود مینویسد که بوی پس از بازگشت از دکن ۲۰۰۰ روپیه بخشیدیم. وی تا سال (۱۰۲۴) ۱۶۱۵ که فوت کرد در دستگاه جهانگیر باقی ماند، نقاشی دیگر از فرخ بیگ که بشکل یک ورق مجزا در موزه باستان شناسی ایران تهران حفظ می‌شود نشان دهنده وضع زنان در داخله حرم سراست که اثری است بی نظیر در میان کلیه

آثار فرخ بیگ. نگاه کنید به مقاله اسکلتون در مجله Art Orientals جلد دوم واشنگتن ۱۹۵۷ تحت عنوان The Moghal Artist, Farrokh Beg کاری است کاملاً تحت نفوذ نقاشی هند، ملکه تقریباً برهنه نشسته است و ندیم‌ها نیمه برهنه‌اند این اثر را نیز نقاشش می‌بایستی در دکن تهیه کرده باشد و شبیه است به اثر معروف دختران خفته Sleeping Maidens محفوظ در برلین که متعلق است به قرن هیجدهم نگاه کنید کتاب گتر: Indian Miniatures in German Museums and Private Collections, Eastern Art Vol. II Philadelphia 1930 P. 169.

۶ - درباره نفوذ هنر اروپائی نقاشی بابری هند نگاه کنید به کتاب مینیاتور هندی. ماریو بوساکلی می‌نویسد: در عصر امپراتوری اکبر بسال ۹۹۰ (۱۵۸۰) یک هیئت مسیحی ژزوئیت تحت ریاست Rodalpo Acquaviva نسخه‌ای از کتاب مقدس را که بنام فیلیپ دوم در هشت جلد در انورس بچاپ رسیده بود حاوی نقاشیهای متعدد از نقاشان بزرگ عصر بوی تقدیم کرد و این درست مقارن بود با عصری که اکبر سخت سرگرم پایه‌گذاری دین الهی بود و فرمان داد که پسرانش و همه درباریان سرشناس این تصویرها را بیوسند، روی جلد هر یک ازین هشت جلد را تصویری عالی از کارهای کلاسیک اروپا پوشانده بود شاه فرمان داد که نقاشان دربار از روی آنها بکشند و باوجود کمک‌های هنرمندان اروپائی همراه با این هیئت‌ها نتیجه کار با اصل کار بسیار متفاوت بود این آغاز کار بود و در عصر جهانگیر به منتهای ترقی و تعالی رسید در سال ۱۶۰۰ ابوالحسن نادرا الزمان که فقط سیزده سال داشت فرمان جهانگیر از روی نقاشی معروف Saint John of the Cross اثر Duer کپی کرد و در همان زمان نقاش دیگر از روی Madonna and Child همین نقاش اثری جالب خلق نمود که امروز در کتابخانه ویندسور محفوظ است. گذشته ازین از روی آثار دیگری از هنرمندان سرشناس قرون جدید اروپا نیز نقاشیهای خوبی تهیه شد بعدها در عصر شاهجهان این نفوذ هنری جامع اروپائی جایش را به نفوذ مطلق ایتالیا داد ص ۹۹-۹۱ فرانکو گریو پرتغالی Fernoo Guerreiro می‌نویسد که دیواره‌های قصرهای امپراتور جهانگیر از فرسکوئی پوشیده شده که همه کار هنرمندان محلی است و نقش مسیح و مادر مقدس و سایر قسمین مسیحی را دارد ص ۹۲.

که در موزه‌های بریتانیا و جنوب کنزنیکتن نگهداری می‌شوند با احتمال قدیم‌ترین کار از این نوع می‌باشند که در فتحپور سیکری تهیه شده‌اند، درین کارها رنگ آمیزی خام و قدری خشن است و معلوم می‌شود که اجرا کننده هنوز به مرحله استادی نرسیده بوده است و عبدالصمد که استادی مکتب را برعهده داشت هنوز نتوانسته بوده است که بعنوان رئیس گروه از استعدادهای مختلف و نقادای شخصی خودش برای تکامل و بهترسازی کارها بهره‌مندی یابد، در صورتیکه در نسخ بعدی از جمله رزمنامه جیبور، تیمورنامه بانکی‌پور، اکبرنامه موزه کنزنیکتن پیشرفت و ترقی هنرمندان در راه اجرای کار مشترک محسوس است و انسان تکامل کار را مشاهده می‌کند و می‌بیند که همان نوع همکاری هنری درین آثار سبب ایجاد یک نوع هم‌آهنگی و توافق کلی میان کارها شده است، رنگ آمیزی وارد مرحله تکاملی خود شده و ترکیب رنگ‌ها بنحو مطلوبی انجام گرفته، از نقاشیهای اکبرنامه سه‌فقره توسط فرخ‌بیگ اجرا شد و این معلوم میدارد که اکبرنامه را در لاهور ساخته‌اند، مجلس‌ها حاوی شخصیت‌های بیشتر است و طراحی اصلی کار با حوصله فراوان و قدرت انگشتان انجام گرفته ابوالفضل نیز از این بهتر شدن رنگها سخن گفته است و به تکامل کار اشاره می‌کند، درین عصر دیگر کاغذ از ایران وارد نمیشد و طبق نوشته ابوالفضل درهند کاغذ می‌ساختند و برای کتاب‌سازی همین کاغذها مورد استفاده قرار می‌گرفت.

- ۲۶ -

بطور کلی مکتب اکبری در پانزده سال آخر سلطنت وی وارد مرحله اوج تکاملی خود شد، خامی رنگها از میان رفت و بجای آن یک آمیختگی و یکنواختی مطلوب خلق شد که بچشم خوشایند است و دارای هیچگونه زندقی نیست، ترکیب

یکی از بهترین کارهای فرخ‌بیگ، در طرف راست: شبیه شاه طهماسب در شاهزادگی خوانده می‌شود و در طرف چپ با خطی با احتمال خط جهانگیر: عمل فرخ‌بیگ در سن هفتاد سالگی کشیده، در طرف راست بالای نقاشی مهر جهانگیر دیده می‌شود. این صفحه ورقی از یک مرقع بوده است که امروز در موزه الوار (هند مرکزی) حفظ می‌شود. در اطراف تصویر اشعار ترکی نوشته شده که مانند حاشیه‌ها توسط هنرمندان و خطاطان دیگر تهیه شده‌است.



ورقی از یک مرقع که در حراج ۱۹۲۷ دهلی توسط گئورگیان خریداری شد، کاری بسیار دلپسند و جامع از فرخ‌بیگ که شاه طهماسب را هنگام سلطنت نشان می‌دهد، شاه سرگرم تهیه نامه معروفی است که بمناسبت ورود همایون به ایران به حکمران هرات نوشته شد. هنرمند این اثر را در تاریخ ۱۰۴۰ (۱۶۱۱) در هند ساخت ولی اثری از سبک بومی هند در آن دیده نمیشود





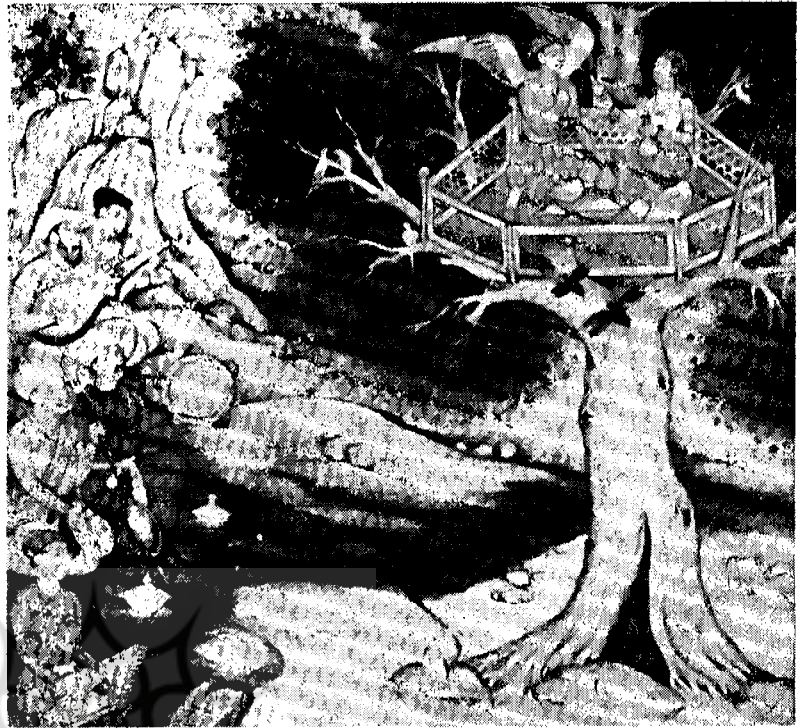
نقاشان دربار اکبر پس از ساختن کتابهای بزرگ فارسی به نقاشی آثار بزرگ هند که بفارسی ترجمه شده بود پرداختند. یکی از این آثار کاتاساریت ساگریا بحرالاسمار بود که متأسفانه نسخه اصلی آن امروز در دست نیست. درین نقاشیها جز موضوع نقاشی و عوامل محرکه تصویری آن همه چیز ایرانی است و قهرمانان افسانه‌ای هندو باچهره و لباس تیموری ظاهر می‌شوند، تیموریان هند از تیموریان ایران و صفویه تقلید می‌کردند و مروج فرهنگ ایرانی در هند بودند.

ناخوان شده بود در تهیه مجالس کتاب همکاری داشت .

در کتابخانه بودلیان نیز نسخه‌ای از مه‌بهارات هست که آنهم نمایشگر حد اعلاى تکامل این هنر اصیل ایرانی است ، چیستریینی هم سه کتاب دارد که هر سه در عصر متأخر اکبر و آغاز پادشاهی جهانگیر ساخته شده که عبارتند از اکبرنامه با ۶۱ مجلس که بطور محسوس بر نسخه موزه کنز نیکتن برتری دارد، عیار دانش، همان انوار سهیلی است که ابوالفضل آنرا به ذوق خود دوباره- نویسی کرده و کتابی است کمیاب با ۹۶ مجلس همه در حد اعلاى تکامل و اوج، این نسخه نیز با عیار دانش موزه بریتانیا قابل قیاس است در حالیکه مدتی پس از آن تهیه شده است (پایان کار ۱۰۳۳) (۱۶۱۱) کتاب دیگر ترجمه فارسی متن معروف سانسکریت یوگا واشیستا یا جوگ بشست است که مصنف فرضی آن وال میکی است و بامر اکبر بفارسی برگردانده شد ، درین نسخه نیز ۴۱ مجلس گنجانده شده است ، درین نقاشیها نفوذ هنر هندی کاملاً هویدا است یعنی برخی از چهره‌ها را بزرگتر کشیده‌اند که مشخصات کار نقاشان هند است ، بطور کلی به تبع از محتوی کتاب اثرات نقاشی بومی هند درین کتاب حاکم است ، تاریخ تکمیل این اثر نیز ۱۶۰۲ یعنی آخرین سالهای حکومت اکبر است ، در صفحه اول کتاب علاوه بر یادداشتها و مهرهای مسئولان کتابخانه در باره ورود آن به کتابخانه سلطنتی تحت شعار معروف اکبری (الله اکبر) خط شاهجهان را نیز در آن صفحه می‌توان دید که بتاريخ سال جلوسش ۱۶۲۸ مطالبی نوشته است .

- ۲۷ -

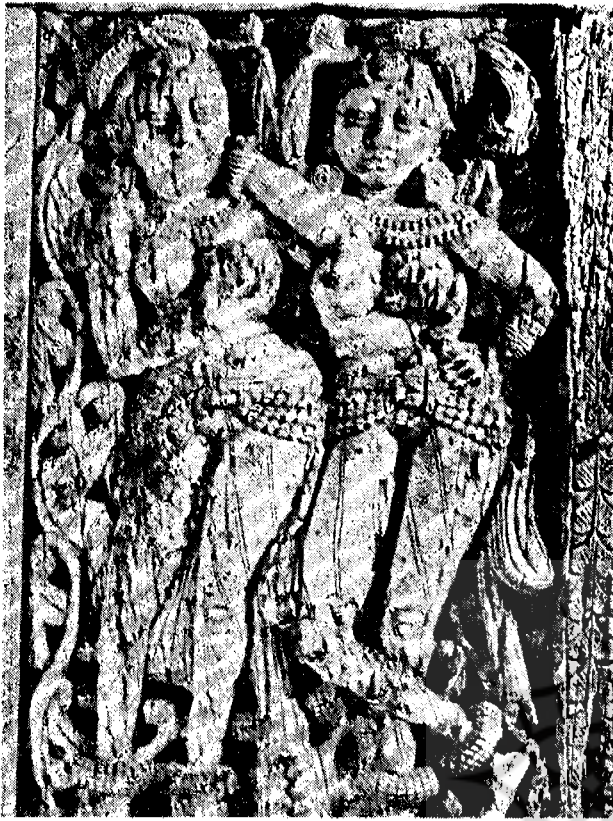
نسخه خمسة نظامی متعلق بورثه اردشیر که امسال فروخته شد اختصاصاً برای امپراتور اکبر تهیه شده واز روی



مجلسی از کتاب مرکوب که مربوط به اساطیر هندوست و برای اکبر ترجمه و تهیه شد . نقاشی‌های این کتاب کار صادق نقاش گمنام عهد اکبر است که اثری دیگر از وی برجای نمانده .

دل در طرح و اجرای آن کوشش کرده است و در حقیقت هنرمندان شرکت کننده حد اعلاى کوشش و دقت را برای ارائه این اثر بکار برده‌اند ، خطاط آن عبدالرحیم عنبرین قلم بوده است که از استادان نامدار نستعلیق نویسی بود ، کوتاه سخن هنرمندان نقاش و طلاکار و جدول ساز و خطاطان و صحافان و کتابسازان و گروهی از اصناف دیگر دست بهم دادند و در تهیه این شاهکار زوال‌ناپذیر کوشیدند ، شاهکاری که در هند بی‌نظیر است و حتی عبدالصمد که در آن عصر پیرو برای اجرای نقاشی

هنری صحنه‌ها بهتر گردید و طراحی بمرحله کمال و اوج نزدیک شد ، بهترین شاهد این مدعا بررسی يك خمسة نظامی است که به دیسن پرین تعلق دارد و در سال ۱۰۰۴ (۱۵۹۳) در لاهور ساخته شده است با جدولهای طلائی و حاشیه و مینیاتورهای عالی ، بطوری که باید آنرا شاهکاری از مرحله اوج کتابسازی هند دانست در سراسر اعصار . در حالیکه آن کتابهای عظیم هریک حاوی صدها نقاشی بود ، درین اثر فقط ۳۸ مجلس گنجانده شد که در هر يك از آن صحنه‌ها کاری را عرضه کرده است که با جان و



کنده کاری روی عاج از دوران ساتاوانانا که در جنوب هند حکومت می کردند اما با ساتراپ های سکائی اوجن در غرب هند ارتباط داشتند و دختر گرفتند، این ساتراپ ها در عصر گسترش سلسله اشکانی تابع ایران بودند (قرن اول پیش از میلاد) درین کنده کاری اثرات هنر اشکانی بخوبی مشهود است، اثراتی که تکامل و تحول یافت و در غارهای آچنتا بصورت نقاشیهای دیواری جلوه گر شد و پایه و اساس بومی نقاشی باری هند گردید. این اثر امروز در موزه پاریس حفظ می شود.

را در نخستین نقاشی با کمک ذره بین می توان یافت، صادق دارای چنان استعداد و تیزبینی بوده است که می توانسته رموز نقاشی ایرانی هندی و حتی اروپائی را جذب و مجسم نماید، از خصوصیات کارهای وی زیبایی خیره کننده چهره ها، نرمش و یکنواختی رنگهاست، چه ملایم و چه تند، نحوه برداشت کار از لحاظ ترکیب و تنوع موضوع تا حدودی اقتباس از

شخص یافت می شوند. مرحوم اردشیر يك نسخه خطی دیگر هم داشت بنام مرکوب که برای اکبر تهیه و تحریر شده است و حاوی سیزده نقاشی است اندازه $7 \times 4 \frac{1}{2}$ سانتیمتر، بیشتر آن ها کار صادق نقاش دربار اکبر است و چند نفر دیگر هم با او همکاری داشته اند، صادق نیز از نقاشان بزرگ این عهد دربار بایران هند است، نامش

مهر و یادداشت های صفحه اول آن می توان فهمید که مدت ها در کتابخانه سلطنتی محفوظ بوده است، این کتاب در اواخر قرن ۱۵ میلادی در ایران نوشته شده تاریخ کتابت را در آخرین بخش های پنجگانه ذکر کرده اند اما برای کشیدن مجلس های کتاب که می بایستی بعدها صورت پذیر گردد جاهای کوچک و محدودی را اختصاص داده بوده اند، تصور می شود که قرار بوده است بهزاد و گروه همکارانش مجلسها را تهیه کنند، اصولاً صفحات کتاب کوچک است $12/5 \times 8/5$ سانتیمتر) که حدود نوشته ها 10×7 است، تهیه کتابی باین قطع و گذاشتن جاهای بسیار محدود برای رسم مجلس های آن متعلق بعصر بهزاد است و فقط او و شاگردان مقتدرش بوده اند که می توانسته اند در محوطه های باین کوچکی مجلس را رسم و تصویر کنند این نسخه شاید بواسطه جنگ و اضمحلال قدرت سلطان حسین بایقرا یا علل دیگر پس از کتابت ناتمام ماند و بدستگاه صفویه منتقل گردید و شاه طهماسب آنرا به همین هیئت ناتمام به همایون داد و همایون آنرا بهند آورد، اکبر در اواخر سلطنت خود فرمان داد که نقاشیهای کتاب را بکشند، این کار زیر نظر استاد عصر فرخ بیگ انجام شد و خود وی نیز ۵ مجلس آنرا رسم کرد، طرح و اسلوب کار بسیار شبیه به کارهای بهزاد است.

ابوالفضل در مورد این کتابها، ازین هنرمندان نیز نام برده است که در تهیه نقاشیهای آن شرکت داشته اند. لعل، مادهو، کسو، مکوند، سنولا و تارا و در درجه دوم: نانا، تولسی، شریف، منوهر، دانو، عبدالله، ابراهیم و میر تقی، نتیجه ای که از بررسی این آثار گرفته می شود اینست که وجود آثاری از هنرمندان اعصار گذشته در سبک کار و روش اجرای این کارها توسط هنرمندان هندی و چقدر مؤثر بوده است، این آثار، که کم و بیش در کتابخانه ها و مجموعه های



دختر دریائی، نقاشی روی دیوار از دوران سنگالی در سیلان قرن ۵ میلادی که در نوع خود قدیم‌ترین است و با مایه بودائی خود سرمشقی شد برای نقاشیهای دیواری آجنتا، هنس بودائی در شمال غربی هند (قندهار) که قلمرو ایرانی هند بود تکوین یافت و از هنر هخامنشی، سلوکی و پارتی متأثر بود.

اثر دو مرد جوان و میانسال را نیز می‌بینیم که در لباس باری هند بسوی مادر مقدس قدم برمی‌دارند جوان يك اردك و مرد میانسال يك بلبل را که در قفس است بوی تقدیم می‌کند جز حالت و چهره مادر مقدس و فرزند همه چیز باری است با آثار هویدا از هنر نقاشی ایرانی .

۸ - دو نمونه ازین نوع کارهای کوچک متعلق به بهزاد را در موزه بریتانیا می‌توان مشاهده کرد و شاگرد بهزاد قاسم‌علی نیز درین کار استاد بود (ص ۳۲ جلد اول شماره دوم مجله *Roopa Lekha* چاپ بمبئی) و نیز در نسخه خیامی که در کلکته بچاپ رسیده است چهار مینیاتور کوچک هست که با احتمال قوی به بهزاد تعلق دارند . این نسخه خطی خیام متعلق بوده است به دانشمند بزرگ مقیم بمبئی (سید نجیب اشرف ندوی استاد کالج اسماعیل یوسف که در سال ۱۹۶۸ فوت کرده است) و توسط مولوی محفوظ‌الحق تصحیح و تنقیح شده در ۱۹۳۹ بهمت انجمن آسیائی بنگال بچاپ رسیده خطاط آن سلطان علی و تاریخ کتابت (۱۵۰۳) ۹۱۱ است ناشر همه صفحات کتاب را کلیشه کرده است و بعنوان نمونه دوعده از مینیاتورهای آنرا نیز با رنگهای طبیعی آن بچاپ رسانده اندازه این مینیاتورها در نوع خود بسیار کوچک و کمی بزرگتر از سطح دو قوطی کبریت است .

بوده است ، در شش مجلس ازین دوازده مجلس کاری بسیار عالی ارائه می‌شود که بخصوص از لحاظ تجسم صحنه‌های جنگی بی‌نظیر است.

۷ - کتاب بالا تصاویر شماره ۳۰ و ۳۱ ، شماره سی از مادر مقدس و فرزند است که با احتمال در سالهای ۳۰ - ۱۰۲۷ (۲۸-۱۶۲۵) کشیده شده و امروز در کتابخانه هند لندن (Johnson Album XIV P. 2) حفظ می‌شود اثرات نقاشی باری در لباس و تزئینات کاملاً محسوس است در بالا و پائین این تصویر با خط نستعلیق خوب این بیت نوشته شده است: نیست بی‌فضل تو جان را قوتی یا غیات المستغین رحمتی

شماره ۳۱ کپی‌ای است از کار معروف دوئر (اجرای اصل ۱۵۱۳ و اجرای کپی ۱۶۰۰) این نقاشی در کتابخانه قصر ویندسور است و اثرات ناشیگری نقاش از لحاظ اجرای نقاشی اروپائی در آن محسوس است و نیز شماره‌های ۳۱ و ۳۲ کتاب مینیاتور هند از توبورهاجک که هر دو از نقاشیهای مرقع گلشن هستند شماره ۳۱ که مادر مقدس و فرزند را نشان می‌دهد کپی‌ای است از کارهایی که ژوزبیت‌ها به جهانگیر تقدیم کردند و چون کوچک است و همراه با سه نقاشی دیگر روی يك صفحه از مرقع چسبانده شده است درینجا

کارهای اروپائی است ، متأسفانه تا حدودی که من می‌دانم از صادق جز این کار دیگری نداریم و الحق در ارائه این کار نهایت استنادی را بخرج داده است، حتی در کارهای مشترک نیز نامی از وی برده نمی‌شود . متأسفانه از کتاب معروف بحرالاسمار (کاتا ساریت ساکارا Kathasarit Sagara یا اقیانوس افسانه) که برای اکبر ترجمه و کتابت شد ، اردشیر فقط نوزده نقاشی داشت و شاید این مجموعه منحصر بفرد بوده باشد زیرا تاکنون نشنیده‌ایم که در جای دیگر قسمتهائی از این کتاب بزرگ وجود داشته باشد ، کار این مجلس‌ها هم عالی است اما نسبت به دو کتاب مذکور در فوق قدری پائین‌تر قرار می‌گیرد (این ۱۹ نقاشی در حراج ۱۹۷۳ لندن فروخته و پراکنده شدند) کتاب دیگر که آنهم برای اکبر از متون سانسکریت ترجمه و کتابت شد ، هاری ونسا *Harivansa* یا داستان کرشناست که در حقیقت دنباله و متمم مهابهارات است و اندازه نقاشیهای آن برابر با رزمنامه جیبور (مهابهارات) است و شاید برای الحاق بدان تهیه شده